



شدید لابی، به‌نظر اسرائیل، لااقل تأیید ضمنی ترامپ را برای این کارزار گرفته بود.

فقط ۲۴ ساعت از شروع جنگ انتخابی‌اش با ایران گذشته، دوباره اسرائیل به واشنگتن برگشته بود و با درخواست‌های تازه پشت در اتاق ترامپ رفت. ماجرا اول این‌طور شروع شده بود که «به ما چراغ سبز بده و اسرائیل ایران را برای آمریکا بمباران خواهد کرد» اما حالا به نظر داستان این‌طور عوض شد که «آمریکا عجله کن و ایران را برای اسرائیل بمباران کن.»

اسرائیل در این درخواست با دو چالش کلیدی مواجه است. اول، جلب اجازه آمریکا برای رفتن به جنگ، بسیار درخواست کوچک‌تری است تا خواست مداخله مستقیم نظامی آمریکا. ترامپ، برخلاف انتظار، با اولی موافقت کرد، اما موافقت با دومی برای او به شکل چشمگیری بی‌خردانه خواهد بود. ثانیاً، چنان که پیشتر گفته شد، ترامپ از برنده‌ها خوشش می‌آید و با درخواست از او برای مداخله، اسرائیل دارد علامت می‌دهد که دارد می‌بازد. در حذف رژیم ایران یا فلج کردن برنامه هسته‌ای‌اش ناکام مانده و حالا دارد ضربات غیرمنتظره‌ای در پاسخ متحمل می‌شود. (ایران یک‌شنبه به جای شب، در طول روز یک رگبار موشک فرستاد تا اسرائیلی‌ها را سردرگم کند.)

هم مربوط است، حمله اسرائیل مخرب است، همان‌طور که مورد قبلی حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای یک کشور دیگر چنین بود. زیرساخت‌های کلیدی در برنامه هسته‌ای ایران زیرزمینی هستند. دانش هسته‌ای را هم دانشمندان ایران حفظ خواهند کرد. هر گونه حمله که اسرائیل بکند، به میزان بسیار محدودی خواهد توانست برنامه هسته‌ای ایران را عقب براند؛ هم‌زمان، حمله مسلحانه از سوی دشمنی خارجی، هر گونه صدا در تهران را که به استدلال نیاز ایران به سلاح هسته‌ای به عنوان بازدارنده بلند است، بلندتر می‌کند.

در مورد موشک‌های بالستیک که اسرائیل آن‌ها را هم به عنوان هدف ذکر می‌کند، هیچ توضیحی در این باره داده نشده که چرا از میان همه نیروهای مسلح در خاورمیانه، ایران باید تنها نمونه‌ای باشد که این ظرفیت از آن گرفته می‌شود. این به‌خصوص در شرایطی صادق است که اسرائیل بیشترین ظرفیت را برای شلیک مهمات مرگبار از هوا و از فاصله دارد.

محدودکردن برنامه هسته‌ای ایران، تنها هدف دولت بنیامین نتانیاهو از حمله یا حتی هدف اصلی‌اش نیست. ترویج انزوای حداکثری و نفرت

چرا باید ترامپ جان آمریکایی‌ها را به خطر بیاندازد، ریاست‌جمهوری‌اش را به خطر بیاندازد و به جنگی بپیوندد که خودش شروع نکرده است، فقط به خاطر اینکه اسرائیل را از درگیری ناکام و بدون بهانه‌ای نجات دهد؟ ترامپ ترجیح می‌دهد اعتبار پیروزی‌ها را به نام خود بزند نه اینکه میراث‌دار تقصیر برای افتضاح کسی دیگر باشد. بالاخره این اسرائیل بود که ترامپ را قانع کرد، موضع غنی‌سازی صفر بگیرد، همان موضعی که منجر به قفل دیپلماتیک شد و بعد اسرائیل از این قفل بهره‌برداری کرد تا چراغ سبز را برای این کارزار نظامی متزلزلش کسب کند. اگر ترامپ روی خط قرمز اولیه‌اش، یعنی منع تسلیحاتی‌سازی مانده بود، شاید الان در آستانه توافق هسته‌ای تاریخی‌ای با ایران می‌بود.

ترامپ به نتانیاهو گوش داد، همان‌طور که در سال ۲۰۱۸ به جان بولتون و مایک پمپئو گوش داده بود و دوباره، حرکتش به سمت توافقی با ایران، از جنس «اول آمریکا»، از مسیر خارج شد. این دقیقاً نتیجه‌ای است که نتانیاهو دنبالش بود. اگر این چیزی نیست که ترامپ می‌خواهد، باید بلافاصله تغییر مسیر دهد، همان‌طور که درباره یمین تغییر مسیر داد. به جای پیوستن به اسرائیل در جنگ، او باید اسرائیل را مجبور کند که جنگ را خاتمه دهد.

ترامپ ترجیح می‌دهد اعتبار پیروزی‌ها را به نام خود بزند نه اینکه میراث‌دار تقصیر برای افتضاح کسی دیگر باشد

با این جنگی که بدون هیچ تحریکی کلید خورده، اسرائیل موضع مذاکراتی ترامپ را به دو شکل کلیدی تضعیف کرده است. اول، حمایت از رسیدن به سلاح هسته‌ای در میان نخبگان ایران و به شکل گسترده‌تر در جامعه، در واکنش به بمباران اسرائیل، جهش داشته است. این هزینه سیاسی پذیرش محدودیت غنی‌سازی در سطح صلح‌آمیز را بالا برده و توافق کردن را سخت‌تر کرده است. دوم، حمایت آمریکا از حمله اسرائیل، در کنار تبریکات ترامپ به خودش در این باره، تهران را به این باور رسانده که او تعمداً با فریب، حس نادرستی از امنیت به ایران القا کرده تا شانس اسرائیل را بالا ببرد. در نتیجه، همان اندک اعتمادی هم که به تهران به عنوان طرف مذاکره مانده بود، بیش از پیش تخریب شده است. هر چه اعتماد کمتر باشد، راه به توافق باریک‌تر می‌شود. با این حال، هنوز توافق ممکن است؛ اما هر چه ترامپ زودتر جنگ اسرائیل را متوقف کند، شانسش بهتر خواهد شد. یک نکته قطعی است: اگر ترامپ و ایران به میز مذاکره برگردند، او باید بلافاصله این درخواست غنی‌سازی صفر را رها کند، در خواست خودمخرب که اسرائیل و بولتون مبلغش بوده‌اند و دقیقاً همان موضعی که مولد این جنگ غیرضروری و آشفته شد.

سوی ایالات متحده این می‌بود که هر کاری ممکن است بکند تا اسرائیل را از حمله بر حذر بدارد. خبری نداریم که دولت چنین کرده باشد. در میان پیامدهای فوری تهاجم اسرائیل این است که مردم، شامل مردم بی‌گناه، کشته خواهند شد یا همین حالا هم کشته شده‌اند. تعداد دیگری هم از واکنش اجتناب‌ناپذیر ایران خواهند مرد. ایالات متحده اخیراً تلاش کرد با خارج کردن کارکنان از منطقه، آسیب‌پذیری‌اش در مقابل این پاسخ را کاهش دهد، اما به‌رغم این تلاش‌ها، احتمالاً تعدادی از آنان که کشته می‌شوند یا آسیبی می‌بینند، آمریکایی خواهند بود. در تهران، این حمله در زمین تندروها بازی می‌کند. میزانی از اثر معمول «جمع‌شدن زیر پرچم» هم در کار خواهد بود. چشم‌انداز موفقیت در مذاکرات هسته‌ای فعلی هم ضربه سختی خورده است. خطرات تشدید تنش به سطح جنگی گسترده‌تر، بالاست. بخشی از سناریوها ممکن است شامل مداخله نیروهای ایالات متحده خواهند بود.

بدون محکومیت جدی حمله از سوی ایالات متحده، آمریکا شریک سرزنش و رسوایی بین‌المللی‌ای خواهد بود که اسرائیل عمیقاً سزاوار آن است.

روسیه: ایران حق دفاع از خود را دارد

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه گفت: «موضوع ایران در تماس‌های مابینمانندگان ایالات متحده مطرح می‌شود. ما انگیزه‌های مربوطه را به طرف آمریکایی منتقل کرده‌ایم. در روزهای اخیر، این اتفاق در سکوهای تخصصی چندجانبه بین‌المللی رخ داده است.» ریابکوف با بیان اینکه «ایران حق دفاع از خود را دارد»، گفت: «امید اسرائیل به نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای ایران، هیچ مبنا و اساسی ندارد». او گفت که مسکو نگران تهدیدات کنونی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران در بوشهر است. ریابکوف گفت: «البته، همه اینها بسیار خطرناک است. اگر تاکنون عواقب وخیمی نداشته باشد و در این مورد ما منابع اطلاعاتی خودمان را داریم و می‌بینیم که نمایندگان [آژانس بین‌المللی انرژی اتمی] در این مورد چه گزارش می‌دهند.»

خسارتی در فردو و خنداب مشاهده نشده

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست فوق‌العاده شورای حکام گفت: «بر اساس اطلاعات موجود، هیچ آسیب بیشتری در سایت نطنز پس از حمله جمعه که بخش فوقانی کارخانه پالوت غنی‌سازی سوخت را تخریب کرد، گزارش نشده است.» مدیرکل آژانس همچنین اعلام کرد: «سطح تشعشعات خارج از سایت نطنز تغییری نداشته و در حد نرمال باقی مانده است که نشان‌دهنده عدم تأثیر بیرونی بر جمعیت یا محیط‌زیست است.» گروسی در ادامه تأیید کرد که «هیچ آسیبی در سایت‌های فردو، راکتور آب‌سنگین خنداب (اراک) و نیروگاه بوشهر گزارش نشده است. همچنین راکتور تحقیقاتی تهران نیز تحت تأثیر قرار نگرفته است.» وی با اشاره به خسارت‌ها در تأسیسات اصفهان تأکید کرد: سطح پرتوزایی خارج از سایت اصفهان نیز بدون تغییر باقی مانده است.

ادامه از صفحه اول

امروز در میانه این نبرد و ایستادگی در برابر تجاوز دشمن بی‌وطن و هر جایی، جماعت صهیون منحوس، هم‌صدای و هم‌نوایی همه‌تخله‌ها و جریان‌های فکری، فلسفی، علمی و فرهنگی و به‌خصوص احزاب سیاسی به‌رغم اختلافات و تعارض‌های فراوان، که با خود یا با سیاست‌های حاکمیت دارند، جلوهای از همین حقیقت است. نکته مهم این است که با پیوستن نخبگان و فرزانتان و روشنفکران و سیاست‌ورزان، و همراه‌شدن آنها با مردمان کوچه‌بازار و طبقات و اقشار مختلف، رویکرد به‌زندگی باورمندانه و فضیلت‌بنیان، با شتابی دوچندان در یک چرخه پویا و در یک دادوستد مثبت و روبه‌شکوفایی قرار می‌گیرد که نقشی حیاتی و زیرساختی در تقویت روحی و انگیزشی جامعه برای ایستادگی و مقاومت هرچه منسجم‌تر و موثرتر ملی ایفا می‌کند و مردمی را که در شرایط عادی هرکدام‌راست به صورت طبیعی ظرفیت مزیت‌طلبی و سودجویی‌های شخصی دارند را به جمعیتی متراکم، قابل احترام و شایسته تحسین تبدیل می‌کند که در پی آرمان‌های بلند انسانی و اخلاقی‌اند. این همان صفت برجسته و خصوصیت ناب و منحصر به‌فردی است که فرزندان هوش ایرانی و تندرستی آریایی از آن برخوردارند و تاکنون دشمنان ایران و به‌خصوص غربی‌ها به‌رغم همه اطلاعات و اشرافی که به‌زعم خود بر ایران‌شهر پرافتخار ما دارند، از درک آن عاجز بوده‌اند و پیوسته در مواجهه با ایران و ایرانیان با همه محاسبات دقیقی که دارند، باز هم دچار خطای محاسباتی می‌شوند. این ملت را نباید از روی رفتارها و روزمره‌شان در زندگی معمول قضاوت کرد که ممکن است غلبه مزیت‌ها، فضیلت‌ها را کم‌رنگ کرده باشد بلکه باید بر حسب نمودها و نماهای والایی داوری کرد که در فراز و فرودها و در گردنه‌های تاریخی و سرنوشت‌ساز از آنها سر می‌زند. آنجا که در هوای میهن دوستی و با شوق و عشق ایران‌شهری، با ایثار و از خودگذشتگی و همدلی و استقامت در برابر دشمنان ملک و ملت و در پیگیری آرمان‌های بلند انسانی، هرکدام‌شان در شمایل یک قدیس راستین ظاهر می‌شوند.

نگارنده این سطور نیز با همه انتقاداتی که به برخی شیوه‌های حکمرانی به‌ویژه در دودمه گذشته دارد و آن‌ها را از مصالح بارز بر خطا زیستن می‌داند و بارها در نوشته‌ها و گفته‌های‌ان اشاره کرده است و به‌رغم برخی ناروایی‌ها که در طول این سال‌ها تحمل کرده است و با وجود این اعتقاد که برای پایان دادن به این جنگ که به دفاع از بقای ملک و کیان ملت در برابر دشمن تجاوزگر بی‌آزرم، و در پشت‌پیبلی از مدافعان غیرتمند و شجاع کشور آماده فداکاری و جانفشانی هستیم.